



نیرنگ تازه ی انگریزی، جستجوی هویت تازهء (صوفی) برای طالبان

طالبان استحاله می کنند - این بار صوفی شده اند

با آن که برنامه های استخباراتی اصولاً باید برپایهء ثقه ترین معلومات بنا شود اما گاهی چنین روی می دهد که سازمان های استخباراتی در دام اوهام و معلومات کلیشه یی و سنگ شده می افتند. چنین شده است در مورد گردانندگان جهانی و منطقوی طالبان در پیوند با برنامه های جدید شان برای شمال و پیشرفت شان به سوی آسیای میانه.

همانگونه که در بسیاری موارد در غرب، نخستین شناخت از مردم افغانستان نوشیدن چای سبز و کشت کوکنار است و این باور کلیشه یی در بسیاری از آثار و نوشته های غربی به چشم می خورد، موجودیت طریقه های صوفیه در میان جوامع مسلمان شمال و آسیای میانه نیز از کلیشه های تکراری دیگر در شناخت این مناطق بوده است. روی همین باور کلیشه یی گردانندگان پشت پردهء طالبان تصمیم به استحالهء طالبان از وهابی و سنت گرا به صوفی و خانقاهی گرفته اند.

این رویکرد ثبوت مکرر دو نکته را در خود دارد. یکی این که طالبان هرگز ماحصل جامعهء ما نبوده و تار شان بدست دیگران است. طالب را می شود مانند موتر انجن و بادی بدل کرد. ایمان و اندیشهء مذهبی طالب در شرایط مختلف تغییر داده می شود. اینها هرگز قایم بالذات نیستند.

در همین نزدیکی ها سایت انترنتی ایشیا تایمز آنلاین نوشت که طالبان در شمال افغانستان از میان اهل تصوف و پیروان طریقه های مختلف تصوفی سرباز گیری کرده اند. این سایت از قاری مصطفی رهبر یک گروه طالبان در ولایت بغلان خبر می دهد که این قاری در اصل یک صوفی و پیرو طریقه نقشبندیه است.

همه می دانند که بینش مذهبی طالبان تاکنون یک بینش قشری سنی وهابی بوده و به همین سبب با سازمان القاعده که بنیاد عربی و وهابی دارد توأمیت گسست ناپذیری داشته اند. این را نیز همه می دانند که وهابیت با تصوف هرگز کنار نمی تواند بیاید بلکه این دو دشمن یکدیگر بوده و تصوف از دید یک وهابی مرادف شرک است.

در پیوند با گزارش ایشیا تایمز آنلاین باید روی سه نکته توجه داشت. یکی این که سید سلیم شهزاد که نویسندهء گزارش است چه کسیست و با نشر مقالاتی ازان دست چه نقشی را می خواهد ادا کند. دوم این که چه خطراتی در آیندهء نزدیک می تواند شمال را و در مجموع کشور را تهدید کند. سوم، یک بار دیگر به رویت این سند نشان بدهیم که طالبان و القاعده اهداف سیاسی بی را دنبال می کنند که پیوندی با اسلام ندارد. بلکه اسلام پوششی است برای پیشبرد برنامه های بزرگ جهانی و منطوقی کشور هایی که در خفا و بسیار ماهرانه آنها را پشتیبانی و رهبری می کنند. طالبان وسایلی اند در دست سیاست نه سربازان دین و شریعت.

در گزارش یاد شده تلاش شده است که نشان داده شود طالبان اینک صوفی شده اند و پیرو طریقه ی نقشبندیه اند. تا بدین وسیله آنها را با جمعیت تاجیک، ازبک و ترکمن در شمال افغانستان پیوند داده و برای شان پایگاه اجتماعی بتراشند. چرا که در آثار کلاسیک در مورد آسیای میانه جنبش های اسلامی ضد استعمار روس ریشه در طریقه های تصوفی داشته است. گردانندگان مخفی طالبان چنین دریافته اند یا می خواهند چنین بنمایند که برای گسترش پایگاه این سازمان مزدور در شمال و پیشرفتش به سوی آسیای میانه بستر سازی برای شان در میان تاجک ها و ازبک ها ضرورت است. این بستر می تواند زیرنام تصوف که به پنداشت آنها خصیصهء مذهبی مردم شمال کشور است صورت بگیرد.

سید سلیم شهزاد خبرنگاریست عضو دفتر آسیای میانهء ایشیا تایمز آنلاین. او با هر رهبری از طالبان، در هرجا و هر زمانی که خواسته باشد می تواند مصاحبه کند، به پایگاهش برود و حتی عکس و فلم از او تهیه کند. این آقای شهزاد دو سال پیش به کنر رفت و با یکی از قوماندانان طالبان مصاحبه کرد و حتی فلمی از آنها تهیه نموده پخش کرد. این کار برای وجهه دادن و تبلیغ

برای طالبان صورت می گیرد. این درحالیست که خبرنگاران دیگر که از مجاری پاکستانی نباشند، توسط طالبان سربریده می شوند. نه تنها خودشان که حتی دریور تکسی بی که خبرنگار را به مرکز طالب می برد سربریده می شود. مانند سید آغا دریوری که اجمل نقشبندی و خبرنگار ایتالیایی را به مرکز طالبان و برای مصاحبه با ملا دادالله برد. هم دریور و هم اجمل نقشبندی سربریده شدند اما خبرنگار ایتالیایی رها شد.

اما وضع در مورد آقای سید سلیم شهزاد فرق می کند. او بارها با قوماندانان طالبان مصاحبه کرده است و به هرپایگاهی از طالبان توانسته است سر بزند.

در آخرین مورد آقای شهزاد به ولایت بغلان رفته است؛ با منشی مجید والی بغلان و قوماندان امنیه ولایت مصاحبه کرده و سپس به پایگاه طالبان رفته است. این بار او با قاری مصطفی قوماندان طالبان استحال شده صوفی ملاقات کرده است. شهزاد از زبان قاری مصطفی می گوید که او صوفی است و برای اسلام می جنگد.

درضمن سید سلیم شهزاد ادعای مسوولین امنیتی در بغلان را به مسخره گرفته و در پایان مقاله اش از زبان قاری مصطفی می نویسند که کمبود فعالیت طالبان در بغلان نه به خاطر تامین امنیت از سوی نیروی های امنیتی بلکه به خاطر نا مساعد بودن هواست. آقای شهزاد از زبان قاری مصطفی "نوید" افزایش حملات و فعالیت های تروریستی توسط صوفی طالبان را در بهار و تابستان آینده می دهد.

از مقاله آقای شهزاد و کار های پیشینه اش می توان دریافت که او مهرهء جابجا شده توسط استخبارات پاکستان در ایشیاتایمز آنلاین است تا برای سیاستمداران منطقه ذهنیت سازی کرده و نشان بدهد که گویا آنچه در افغانستان روی می دهد محصول روابط اجتماعی و فرهنگی داخل است. همهء کار های سید سلیم شهزاد در همین راستا است.

اینجا دو پرسش مطرح می شود. یکی این که مقامات امنیتی کشور تا چه حدی از تغییر و استحالء طالبان و دگرگون شدن تاکتیک های جنگی و تبلیغاتی شان آگاهی دارند. دوم این که برای مقابله یا حملهء متقابل، هم از جهت نظامی و هم از جهت تبلیغاتی و فرهنگی، مقامات کشور چه کارهایی کرده اند و تاچه حدی آمادگی دارند.

از سوی دیگر آیا حکومت افغانستان منحصیث مجموع، برنامهء اساسی و همه جانبه بی در رویارویی با دشمنان خویش در جنگ روانی و تبلیغاتی بی که علیه کشور روان است، دارند؟ تاجایی که

دیده می شود این جبهه از جانب ما به کلی خالی بوده هیچ سنگری در برابر هجوم تبلیغاتی استخبارات خارجی نداریم. نه تنها سنگری نداریم بلکه هر روز رخنه های بیشتری از سوی دولت باز می شود تا هجوم تبلیغاتی دشمن را تسهیل کند.

ملیگرایی هایی که درین اواخر از سوی جناب حامد کرزی صورت می گیرد نه تنها فراخور دفاع از هجوم تبلیغاتی دشمن نیست بلکه نهایت ساده اندیشانه بوده حتی از سوی رسانه های کشور به آن ارزشی داده نشده و آنرا ساده انگارانه می خوانند.

برای رویارویی با طالب ما تنها به سلاح نیاز نداریم. ما در گام نخست به افشای حقیقت اندیشه های جاهلانه و وطنفروشانه طالبان و مزدوری شان به بیگانگان نیاز داریم. اگر مردم بدانند که طالب کیست و ارزش های ملی در مردم تقویه و برجسته شود، برای مقابله با طالب نه نیازی به سلاح است و نه هم نیازی به نیروی های خارجی.

عرصه روشنگری از جانب دولت افغانستان بسیار خاموش و خالی است. در حالی که مذهب مردم سنی افغانستان حنفی است و طالبان پیرو وهابیون عرب هستند، هیچ مخالفتی از سوی ملا های افغانستان و یا انسجام این مخالفت در برابر وهابیت از سوی دولت صورت نمیگیرد. این در حالیست که در کلیه مراکز وهابیت در برابر امام اعظم ابوحنیفه و مذهب او مخالفت صورت گرفته و هزاران طعنه و تهمت به او روا میدارند.

آیا خاموشی علمای دینی ما به معنی تسلیمی در برابر وهابیت در بدل پطروالدال نیست؟ اگر چنین نیست ازینهمه شورای علمایی که در سراسر کشور وجود دارد چرا صدایی علیه شریعت وهابی که طالبان در کشور اجرا می کنند بر نمی آید؟ شریعت طالبان شریعت وهابی است نه شریعت حنفی. وهابیان از یکسو دشمن درجه یک حنفیان و مذهب امام اعظم اند از سوی دیگر خود وهابیت از رویداد های مشکوک و عریانی آب می خورد که سبب ایجاد نشنلزم کور عرب به قیمت فروپاشی امپراطوری عثمانی توسط لارنس عربی شد. افتیدن به دام طالب، افتیدن به دو دام مرگبار است: یکی وهابیت و دیگری استعمار.

کوتاه سخن این که طالبان را گردانندگان پشت پردهء شان همه روزه مراقبت کرده و مطابق شرایط جدید

برایشان عبا و قبای نو می دوزند. اما از سوی دولت افغانستان هیچگونه ستراتیژی یی برای مقابله با آنها وجود نداشته است. این دولت همهء هم و غمش اینست که چگونه میان مردم نفاق بیندازند و

پایه های قدرت سیاسی خود را محکم کنند. این دولت از علمای دینی تنها به خاطر فتوی دادن برای ادامهء کار شان یا جلوگیری از روند هایی که سبب آزادی و تامین حقوق مردم می شود کار می گیرند. البته ما تاکنون روحانیت و مجمع علمایی که مطابق امر خدا و رسول حکم کند و نافش به ناف حکومت بسته نباشد یا نداشته ایم یا در ظرفیت های فردی چنان ناتوان اند که هرگز صدای شان شنیده نمی شود...

واما آنچه قرار است در بغلان و در شمال روی بدهد باید زیر نظر گرفته شود. اینبار به جای طالبان با صوفیان رو به رو خواهیم بود، شاید هم صوفی -طالبان.